

مجموعهٔ تاریخ برای نوجوانان (۱۳)

# آدام اسمیت، مالتوس و مارکس

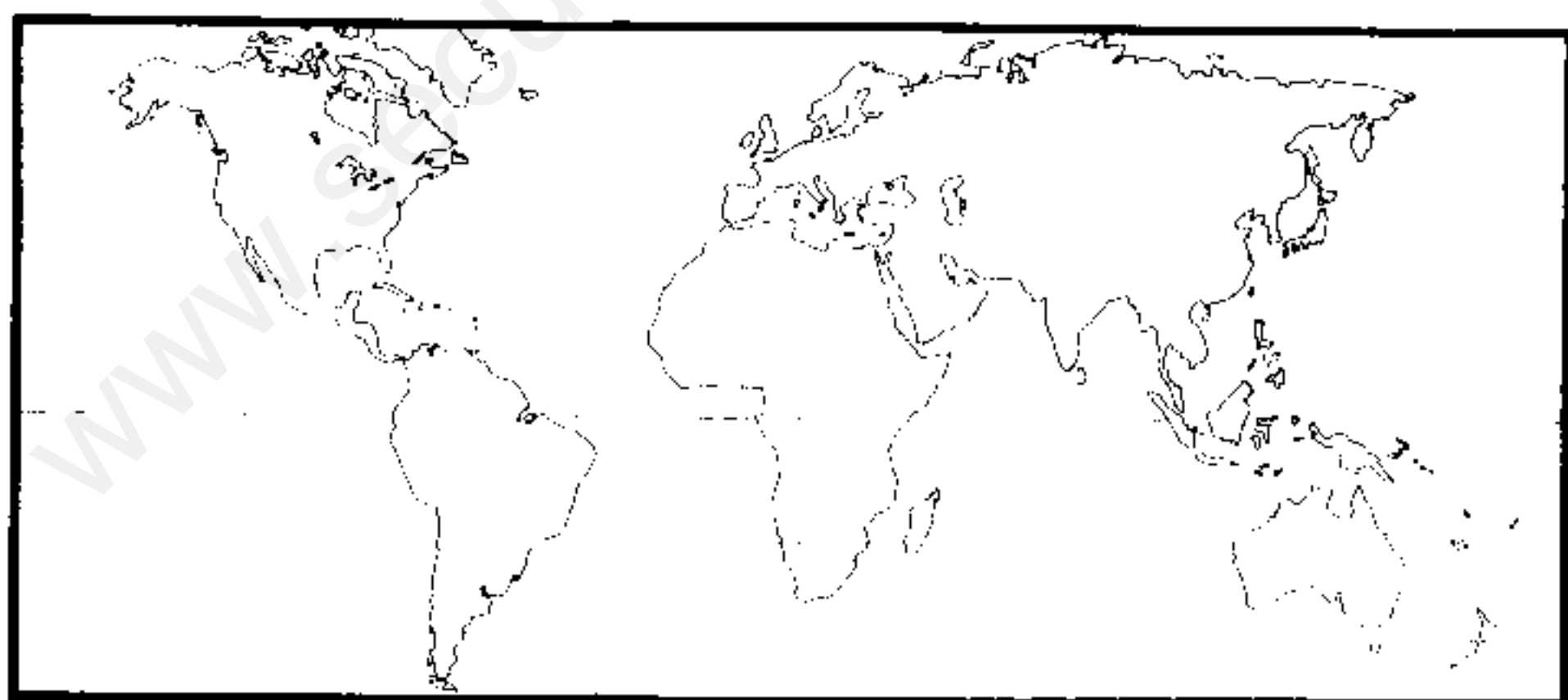
ترنس بایرس  
ترجمهٔ خسرو شاکری



مجموعه تاریخ برای نوجوانان (۱۳)

# آدام اسمیت، مالتنوس و مارکس

ترنس بایرس  
ترجمه خسرو شاکری



زنگنه و مازیار

تهران، ۱۳۵۹

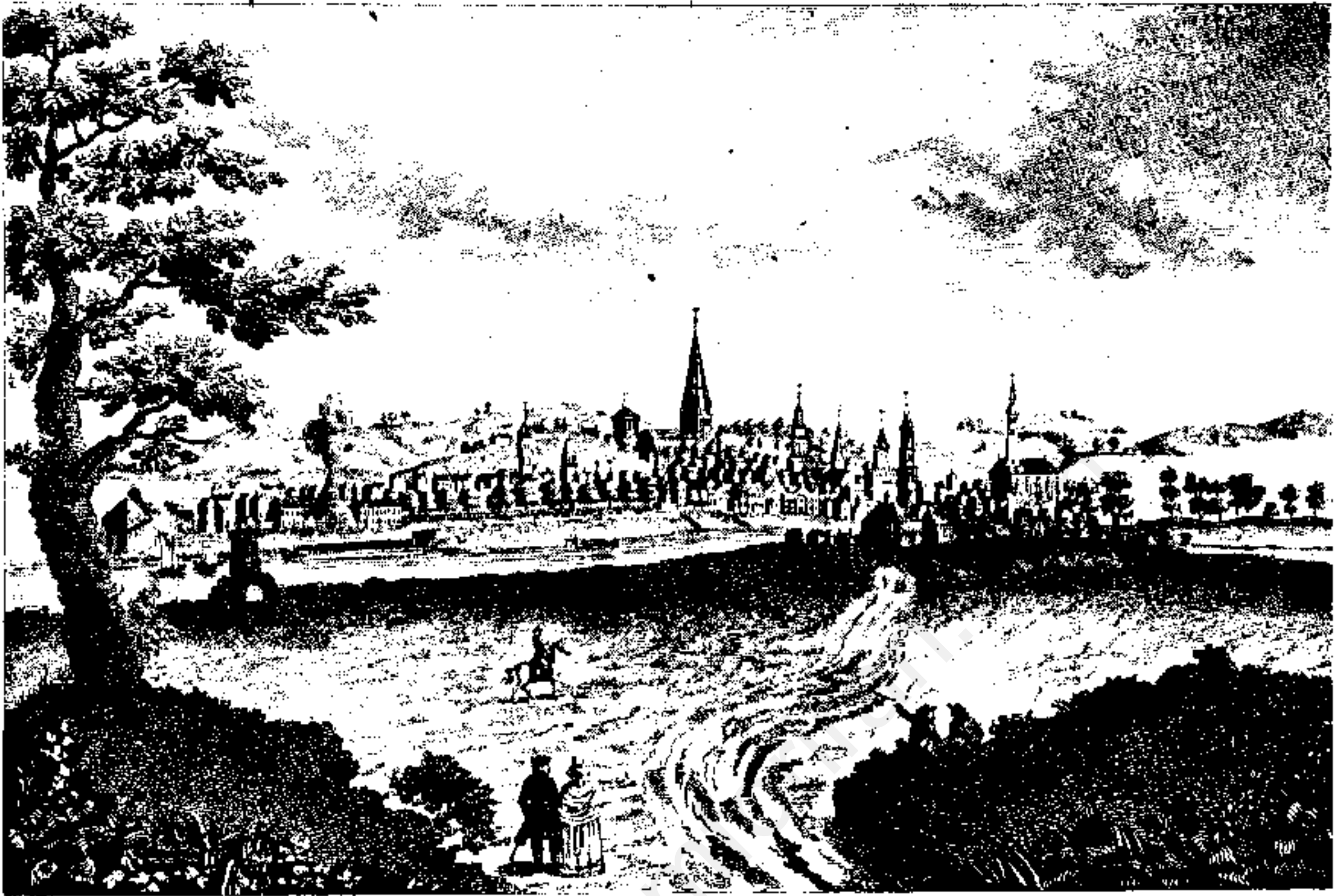
سه مردی که در این کتاب از آنان نام برده می‌شود، نویسنده و متفکر بودند؛ یعنی مردانی که صاحب نظر بودند. تاریخ تنها این داستان نیست که مردم چه کرده‌اند، این نیز هست که چه اندیشیده‌اند. مردانی چون مارکس، اسمیت و مالتوس آنچنان نظرات مهمی داشته‌اند که بعد از ایشان در رفتار و اندیشه دیگران تأثیر گذاشته است.

نظرات‌شان از آن رو مهم است که درباره تغییرات بزرگی است که جهان معاصر از آن‌ها ساخته شده است. دفترچه‌هایی درباره انقلاب صنعتی، انقلاب کشاورزی، انقلاب علمی، و انقلاب ارتباطات از همین مجموعه، این تغییرات

يك طرح فلسفی از آدام اسمیت

را توضیح می‌دهند. این دفترچه‌ها همه، تسلط روزافزون بشر را بر منابع طبیعت، که ایجاد هر چه بیش‌تر ثروت را ممکن می‌کند، تشریح می‌کند. مسأله ایجاد و توزیع ثروت اساس مبحثی است که اقتصاد نامیده می‌شود. مارکس، مالتوس و اسمیت هر سه اقتصاددان بودند؛ اما کار این سه به‌همین جا ختم نمی‌شود. اینان اقتصاددان - سیاسی بودند. کوشش‌شان این بود که نظام‌های جدید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در جهان معاصر توضیح دهند و احیاناً در مورد آنچه در آتیه خواهد شد در حد ممکن پیش‌بینی‌هایی نیز بکنند.





شهر گلاسکوئی که آدام اسمیت در اواسط قرن ۱۸ میلادی می‌شناخت

### آدام اسمیت (۱۷۲۳ تا ۱۷۹۰)

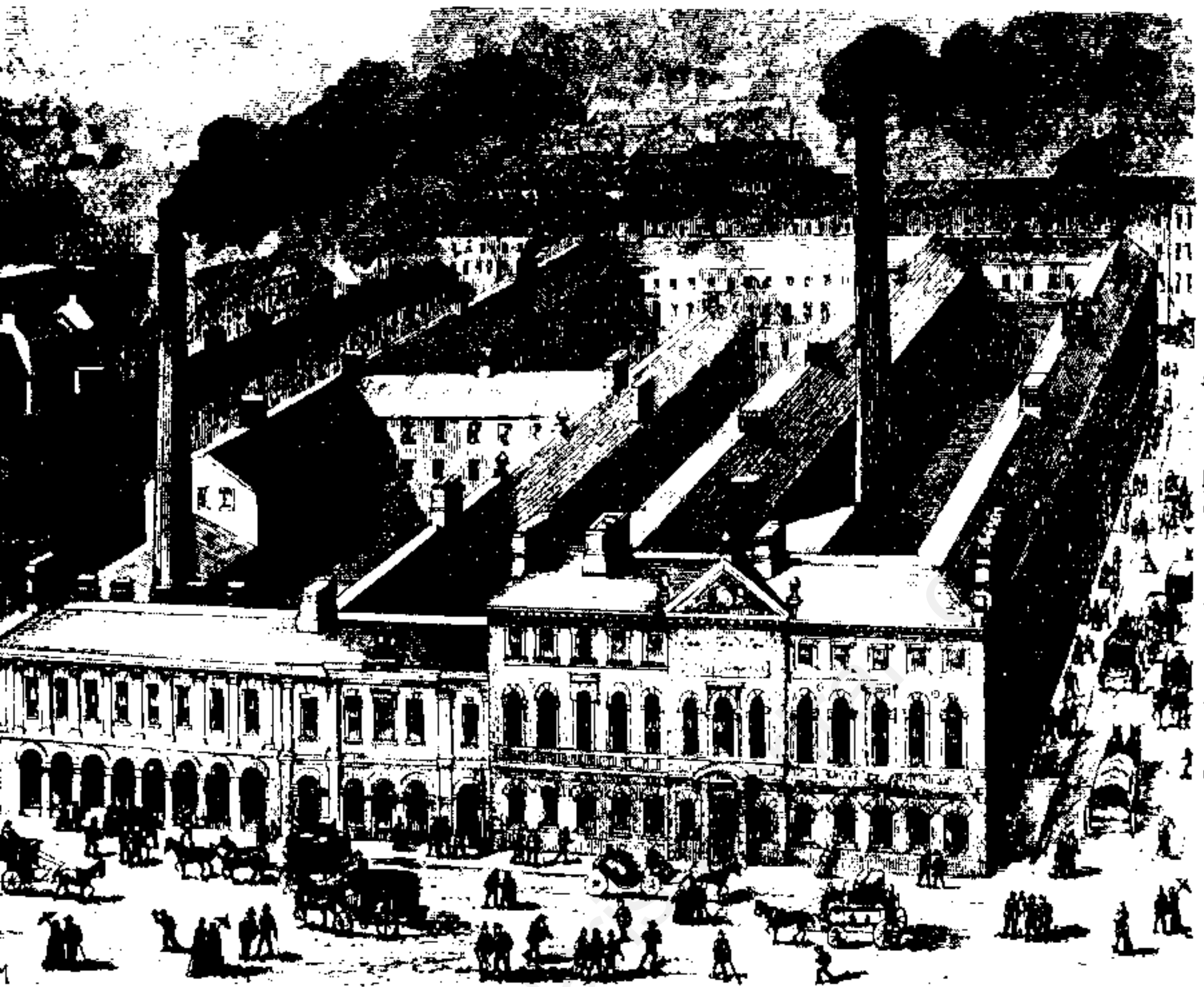
آدام اسمیت به‌سال ۱۷۲۳ در کیرکدی (Kirkcaldy) (اسکاتلند) در خانواده‌ی کارمند گمرک چشم به‌جهان گشود.

اسمیت آموزش ابتدائی را در موطن خود فرا گرفت و بعد برای دوره‌ی دانشگاهی نخست به‌گلاسکو و سپس به‌آکسفورد رفت پس از چند سال تدریس در دانشگاه ادینبورگ، در سال ۱۷۵۰ به‌سمت استادی دانشگاه گلاسکو منصوب شد. تا سال ۱۷۶۳ در گلاسکو ماند و پس از آن سمت و مربی سیار دوک بوکلوج را پذیرفت. این سمت در آن روزگاران شغل خوبی محسوب می‌شد زیرا حقوق

بازنشستگی آن بسیار عالی بود. او به‌همراه دوک به‌ارویا، به‌ویژه به‌فرانسه، سفر کرد، و به‌ملاقات بسیاری از متفکران آن روزگار، از جمله ولتر، نائل آمد. در سال ۱۷۶۶ به‌انگلستان بازگشت و یک سال بعد به‌موطن خود، اسکاتلند رفت، و یازده سال در آن‌جا ماند و طی آن کتابی نوشت که به‌او شهرت جهانی داد. این کتاب ثروت ملل نام دارد و به‌سال ۱۷۷۶ نشر یافت. او در سال ۱۷۹۰ درگذشت.

### نفوذ اندیشه‌های آدام اسمیت

در زمانی که آدام اسمیت زندگی می‌کرد، انقلاب صنعتی به‌سرعت زندگی مردمان را تغییر می‌داد و موجبات پیدایش



يك كارخانه قرن نوزدهمی در شهر شفیلد انگلستان: یکی از محصولات انقلاب صنعتی

که در کارخانه‌های آن‌ها کار می‌کنند تضاد منافع وجود دارد.

### مهمترین نظریات آدام اسمیت

حمله به مرکانتالیسم یا تجارت‌گرایی

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های کتاب ثروت ملل او، حمله او است به مرکانتالیسم، یعنی سوداگری و تجارت‌گرایی. مرکانتالیسم سیاست اقتصادی و سیاسی حاکم اوائل قرن هیجدهم بریتانیا بود. هدف این سیاست این بود که بر ثروت و قدرت کشور

نظریات جدید و نشاط‌انگیزی را فراهم می‌آورد. اسمیت به‌هنگام اقامت در گلاسکو رشد آغازین صنعت را ملاحظه کرد و با تجار و صنعتگران در تماس بود. او شاهد انکشاف آغازین سرمایه‌داری بود و به‌ماهیت و شرائط رشد توفیق آمیز آن به‌دقت اندیشه کرد. کاپیتالیزم، یعنی سرمایه‌داری، نام آن نظام اقتصادی است که در آن سرمایه (یا، کاپیتال)، مثلاً پول، کارخانه‌ها، و ماشین‌آلات در مالکیت افرادی (سرمایه‌داران) است که دربارهٔ چگونگی به‌کار گرفتن آن تصمیم می‌گیرند. بین این سرمایه‌داران و کارگرانی

## نیاز به تجارت آزاد

آنچه اسمیت می‌خواست به‌راستی چیزی جز «لیسه‌فر» Laissez Faire نبود، و این در لغت فرانسه یعنی بگذار به‌حال خودش باشد، اما در اصطلاح یعنی سیاست تجارت آزاد. بنابراین سیاست دخالت دولت در امور اقتصادی باید به‌حداقل آن کاهش داده شود. (رشد دولت). انسان را منافع فردی هدایت می‌کند، و اگر او را به‌حال خودش بگذارند تا به دنبال منافع خود برود، برای جامعه هم بهترین خدمت را انجام خواهد داد. بنابراین این نظریه، انسان در فعالیت خود قصد انجام کاری را برای هموعان خود ندارد، اما در نظام اقتصادی نوعی هماهنگی طبیعی وجود دارد، گویی که تردستی پنهانی آن را هدایت می‌کند. دخالت دولت تقریباً در تمام موارد این هماهنگی را به هم می‌ریزد. (س ۴). این امر نه تنها درباره امور داخلی هر کشوری صادق است، که در تجارت خارجی نیز صحت دارد. تجارت آزاد برای همه از تجارت مطابق موازین دولتی بهتر است. (س ۵). حداکثر افزایش ثروت ملل از طریق سیاست «لیسه‌فر» و تجارت آزاد تأمین می‌شود.

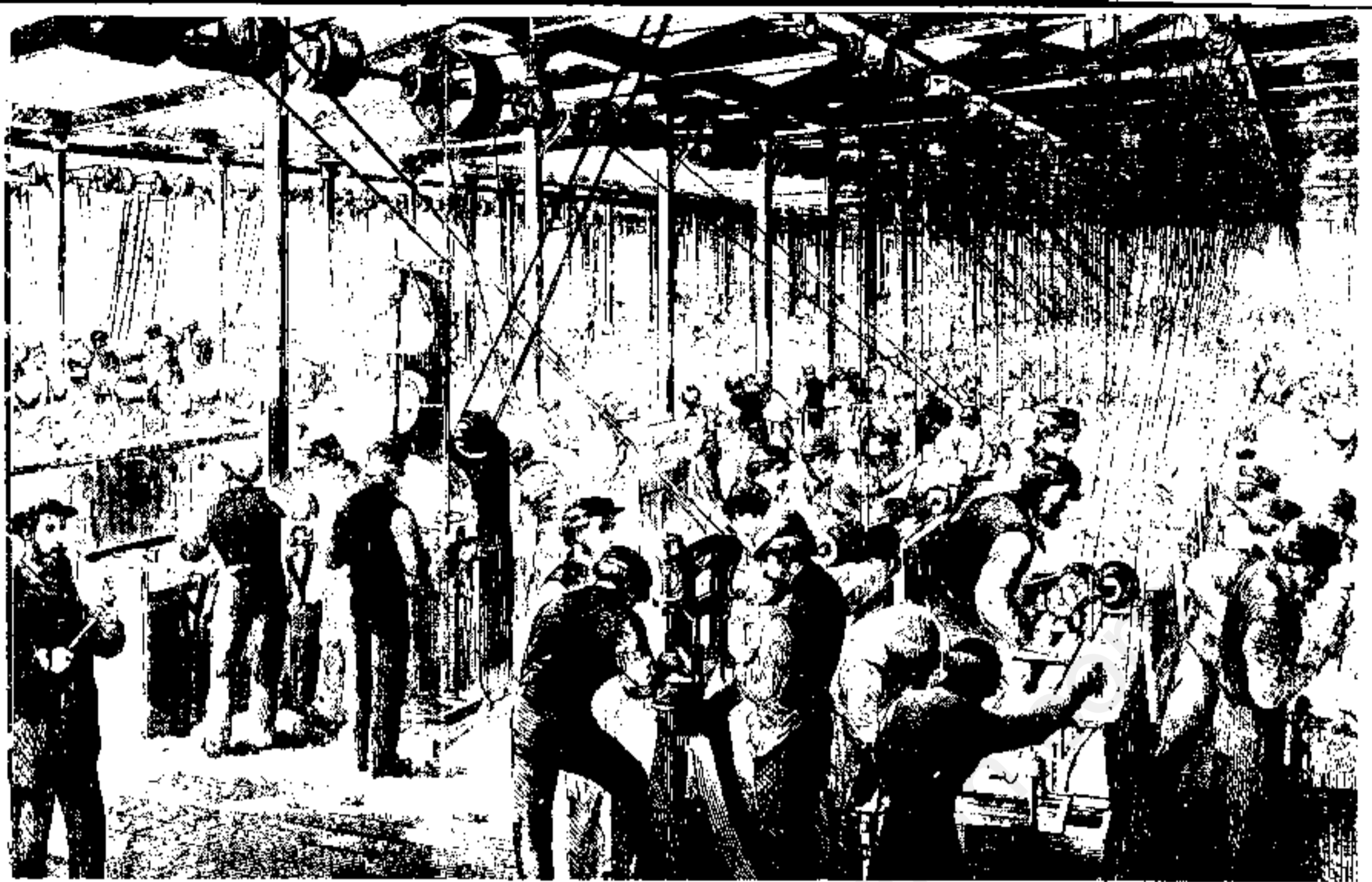
## تقسیم کار

اسمیت از خود می‌پرسید که برتری نظام‌های جدید صنعتی و کشاورزی بر آنچه پیش از انقلاب‌های صنعتی و کشاورزی وجود داشت در چیست. جواب این بود که مهم‌ترین عامل آن تقسیم کار است. تقسیم کار هنگامی صورت می‌گیرد

ببفزاید. مرکانتالیست‌ها بر این عقیده بودند که از طریق انباشتن هر چه بیش‌تر طلا و نقره می‌توان به این هدف رسید. از طریق افزایش صادرات کالا و کاهش واردات آن می‌شد طلای بیش‌تری به دست آورد، و از این راه ترازنامه تجاری را به سود کشور مثبت کرد. ایجاد مستعمرات مشتریان بیش‌تری برای کالاهای بریتانیا به وجود می‌آورد؛ در حالی که (از طریق بستن مالیات گمرکی بر کالاهای وارداتی) می‌شد واردکنندگان اجناس خارجی را دلسرد و از صنایع داخلی در مقابل رقابت خارجی حمایت کرد.

استدلال اسمیت این بود که نظام مرکانتالیست‌ها یکسره نامطلوب است. این نظام نه تنها به ثروت کشور و سعادت عمومی نمی‌افزود، که حتی سنگ راه رشد آن نیز می‌شده. این نظام مانع ابتکار می‌شد، اقدام صنعتی را که به نظر اسمیت از مهم‌ترین عوامل رشد اقتصادی است، کند می‌کرد. در نظام مرکانتالیست‌ها، فقط به برخی از صنایع توجه کرده می‌شد، یعنی آن دسته صنعتی که تنها در خدمت توانگران بود نه مستمندان. (س ۱)\*. انحصارات ایجاد می‌شد (س ۲). انحصار یعنی وجود «یک فروشنده» در بازار، و هنگامی به کار گرفته می‌شود که صاحبان صنایع متحد شوند تا رقابت میان خود را از بین ببرند، تا در صورت امکان با کاهش تولید بتوان بر قیمت‌ها افزود. انحصارات مانع رشد ثروت می‌شد و به منافع مصرف‌کنندگان آسیب می‌رساند. (س ۳). اسمیت می‌گفت که باید مقررات مرکانتالیستی را در هم کوبید.

\* س اشاره است به اسناد پایان کتاب.



تقسیم کار در يك زرادخانه، در دهه ۱۸۶۰

یکتته کار چندین نفر را بکند. (س ۷).  
 تقسیم کار رشد ثروت هر يك از ملل را میسر کرد، یعنی ثروتی که در سراسر جامعه پخش می شد و حتی «تا پائین ترین مراتب اجتماعی» گسترش می یافت. اما تقسیم کار تنها به سود يك مملکت در چارچوب آن کشور نبود. آدام اسمیت بر این نظر بود که آن را باید در روابط بین ملل نیز به کار گرفت. ملت‌ها باید در تولید به راه تخصص کشانده شوند و بین آن‌ها تجارت آزاد برقرار شود. آن گاه منافع عظیم تقسیم کار به راستی در سطح بین‌المللی تحقق خواهد یافت (س ۸). اسمیت به این نکته اشاره کرد که هر چه بازار بزرگ‌تر باشد (یعنی هر چه تعداد خریداران بیش‌تر باشد) بهمان نسبت هم طیف مبادله وسیع‌تر بوده امکانات تقسیم کار گسترده‌تر خواهد بود. به نظر او بهترین

که صنعت به شغل‌های گوناگون تقسیم شود. هر انسانی بخش کوچکی از يك مجموعه رامی‌سازد، و آن را تحویل نفر بعدی می‌دهد که تکمیل کند. به این ترتیب، با توجه به گذشته که صنعتگری هر چیزی را تماماً خودش می‌ساخت، محصولات با سرعت بیش‌تر و خرج کم‌تر تولید می‌شود.

تقسیم کار موجب شد که تولید سخت افزایش یابد. این رامی‌شود از طریق تولید يك کارخانه سوزن‌سازی نشان داد (س ۶). تقسیم کار به این تولید دامن‌دار برتر و کارآئی به سه دلیل دست یافت: نخست به خاطر مهارت بیش‌تری که کارگر از طریق انجام مکرر همان کار به دست می‌آورد؛ دوم، به خاطر تقلیل زمان کار، و سوم به این دلیل که اختراعات کمک می‌رساند و به انسان اجازه می‌دهد که

راه همانا مبادله براساس تجارت آزاد بود.

ریشه کن شود. ثروت ملل و منافع عمومی کل جامعه به بهترین وجهی از طریق رقابت آزاد تأمین می شد.

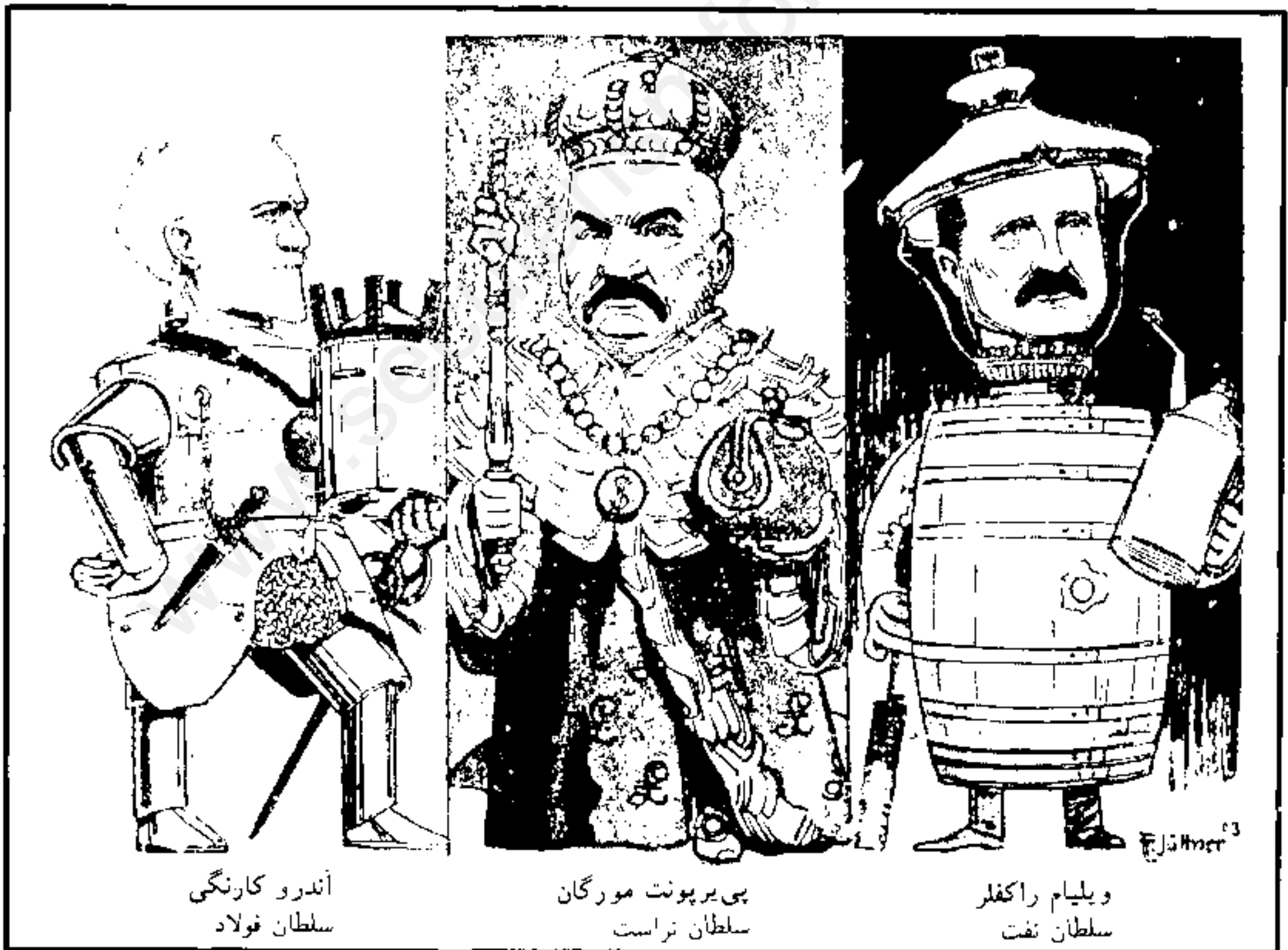
## پاره‌ئی مخاطرات

با این همه، اسمیت به پاره‌ئی از مخاطرات نظام نوین اقتصادی‌ئی که پیش چشمش رشد می کرد آگاه بود. از تجار و صنعتگران انتظار واهی نداشت. می دانست که این‌ها سخت مشتاقند که قیمت‌ها به حداکثر برسند و دستمزدها به حداقل، و هرگاه که دست دهد از کوشش در ایجاد انحصارات غافل نمی مانند. از نظر او انحصار، پدیده نکوئیده اجتماعی بود، و می بایست

## اهمیت آثار آدام اسمیت

در تاریخ جهان آدام اسمیت از دو نظر اهمیت دارد. او نخستین کسی بود که مشخصات اصلی سرمایه‌داری را تشریح کرد، یعنی آن نظام اقتصادی و سیاسی را که در قرن نوزدهم با نیروی تمام در اروپای غربی و آمریکای شمالی مستقر شد و بر بقیه جهان تأثیر عظیمی گذاشت. نظریات اسمیت برای صاحبان صنایع

سرمایه‌داران امریکائی که در اواخر قرن نوزدهم از طریق ایجاد انحصارات بدنروت خود افزودند



آندرو کارنگی  
سلطان فولاد

پی پرپونت مورگان  
سلطان تراست

ویلیام راکفلر  
سلطان نفت



توماس رابرت مالتوس  
(۱۷۶۶-۱۸۳۴)

توماس رابرت مالتوس در سال ۱۷۷۶ در خانواده‌نی از طبقه متوسط و مرفه در نزدیکی درکینگ در ساری (انگلستان) متولد شد. آموزش ابتدائی را پیش‌تر در خانه فرا گرفت، و سپس به‌سال ۱۷۸۴ به‌دانشگاه کمبریج رفت. نظر او در

جدید خوشایند بود و این‌ها به‌مدد دولتمردان نظام مرکانتالیست‌ها را درهم کوفتند و نظام جدید بازار آزاد و «لیسه‌فر» را بنا نهادند. در ذهن سرمایه‌دارانی چون ریچارد کابدن منچستری معنی تجارت آزاد بیش از يك نظام تجاری بود؛ این نظام برای او آرمان بزرگی بود که جهان را به‌سوی رونق اقتصادی و صلح بین‌الملل هدایت می‌کرد. دوم این که آدام اسمیت



تصویری از مالتوس

این دانشکده به‌مسائل مختلف و از جمله به‌ریاضیات جلب شد. در سال ۱۷۹۶ به‌لباس روحانیت در آمد. در اروپا سفرهای بسیار کرد و از آنچه دید در او ذوق و شوق بسیاری پیدا شد. کتابی نوشت که معروفش کرد. نام این کتاب

پایه‌گذار واقعی علم اقتصاد بود. اگرچه پیش از او دیگران در این باره نوشته بودند، اما نوشته‌های آن‌ها با مباحث دیگر هم آمیخته بود. آدام اسمیت بود که نخستین بار علم اقتصاد را به‌منابۀ موضوع جداگانه‌نی مطرح کرد.

## نظریات مالتوس

مالتوس از نظر اقتصادی در شمار بدبینان بود، یعنی به بهبود اوضاع و جهان اعتقادی نداشت. شالوده این بدبینی نظریه جمعیت‌شناسی او بود. بنابراین نظر رشد جمعیت همیشه سریع‌تر از ذخیره مواد غذایی است. بنابراین نظرمالتوس، این نظریه را می‌توان به‌دقت بیان کرد. جمعیت با آهنگی هندسی رشد می‌کند (یعنی ۱، ۲، ۴، ۸ الخ برابر می‌شود) در حالی که ذخیره غذایی با آهنگی حسابی (۱، ۲، ۳، ۴، ۵ الخ) (س ۱۱).

پیدا است که چنین وضعی نمی‌تواند همیشه دوام داشته باشد؛ مردم برای زنده ماندن به حداقل تغذیه نیازمندند. پس، مالتوس استدلالش این بود که در جایی که به‌مقدار کافی قوت لایموت هست، یعنی در نقطه حداقل معاش، میان ذخیره مواد غذایی و جمعیت تعادل برقرار می‌شود، که اگر نشود، فضای کافی برای همه وجود نخواهد داشت. محاسبه کرده‌اند که اگر در سال ده هزار پیش از میلاد فقط دو نفر روی کره زمین وجود می‌داشتند، و جمعیت نیز هم با آهنگ یک درصد رشد کرده بود (یعنی با آهنگی کم‌تر از آنچه مورد نظر مالتوس بود) جمعیت کنونی دنیا جمع می‌بود بسیار فشرده، به‌قدر چندین سال نوری.

پیدا است که جمعیت دنیا حتی با آهنگی شبیه به یک درصد هم افزایش نیافته است. چرا؟ به عقیده مالتوس این امر دو دلیل دارد: فلاکت و پلیدکاری. (س ۱۲). مراد از فلاکت جنگ و مرض و قحطی است. مراد از پلیدکاری هر نوع دخالت در مناسبات عادی جنسی زن و

تحقیقی در باب اصول جمعیت‌شناسی بود، که به سال ۱۷۹۸ نشر یافت. (چاپ دوم آن که مفصل‌تر بود با تجدید نظر در سال ۱۸۰۳ منتشر شد.) در سال ۱۸۰۵ او به سمت استادی تاریخ و اقتصاد سیاسی کالج «هیلی پری» در هرتفورد شایر برگزیده شد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند. مالتوس به سال ۱۸۳۴ درگذشت.

## مالتوس و نظریه پیشرفت

در کتاب‌های دیگر این مجموعه (عصر روشنگری، انقلاب فرانسه) می‌توانید با اروپای قرن هیجدهم آشنا شوید. در این قرن نظریه پیشرفت واقعاً همه را به‌خود مشغول کرده بود. تا پیش از قرن هیجدهم مردم معمولاً دنیا را همان‌طور که به نظر می‌آمد می‌پذیرفتند. در طول قرن هیجدهم در مردم این احساس پیدا شد که می‌توانند با سعی و کوشش خود دنیا را به‌محل بهتری برای زندگی مبدل کنند. استدلال‌شان چنین بود که این نهادها، از جمله دولت‌ها، نامطلوب بودند. پس اگر می‌شد این نهادها را تغییر داد، تغییر طبیعت انسانی هم میسر می‌شد. انسان‌ها می‌توانستند بی‌عیب و نقص بشوند. این نظرها را بسیاری از نویسندگان مطرح کردند، و از آن جمله بود یک انگلیسی به‌نام ویلیام گادوین (۱۷۵۶ تا ۱۸۳۶) (س ۱۰). این نظرها الهام‌بخش بسیاری از انقلابیون فرانسه و توده‌های سردمی شد که به‌زندگی در فقر محکوم بودند. اما مالتوس در کتابش درباره جمعیت به نظریه پیشرفت سخت تاخته است.



A COURT FOR KING CHOLERA.

طاعون یکی از امراضی بود که تا اواسط سده نوزدهم هزاران هزار نفر از مردم انگلستان را در شهرهای صنعتی کسبه بود

خانواده‌های کم جمعیت‌تری درست کنند، رشد جمعیت از رشد ذخیره مواد غذایی کم‌تر بوده همه در وضع بهتری خواهند بود. اما عقیده نداشت که همگان می‌توانند از عهده این امر برآیند. مالتوس تا ۳۹ سالگی ازدواج نکرد، اما بعد خود صاحب یازده دختر شد!

این نظریه به کسانی ضربه سنگینی زد که به پیشرفت عقیده داشتند، و فهم این نکته هم آسان است. چون در واقع بنابراین نظریه کوشش برای بهبود زندگی مردم سودی ندارد، زیرا «اصل جمعیت» باز مردم را به همان نقطه اول برخواهد گرداند. بنابر استدلال مالتوس، نظریات کمونیستی، مثل نظریات گادوین

مرد، است چون همجنس‌بازی و پیشگیری از حاملگی. به نظر مالتوس، فلاکت و پلیدکاری در طول تاریخ میزان جمعیت را تا آن حد کاهش داده که غذای موجود آن را کفاف می‌کند. وانگهی، این امر در آینده نیز اتفاق خواهد افتاد. مثلاً فرض کنید که وضع مردم بهتر بشود. در این حال ازدواج در سنین کم‌تری انجام می‌گیرد؛ زودتر خانواده تشکیل می‌شود؛ جمعیت سریع‌تر افزایش پیدا می‌کند، پس غذای موجود بین جمعیت بیش‌تری توزیع می‌شود، و بزودی همه مجدداً به سطح حداقل معاش تنزل می‌کنند. از نظر مالتوس، این بن‌بست تنها یک راه گریز دارد: اگر مردم دیرتر ازدواج کنند و

(Godwin) به‌ویژه، نظریات پلیدی بودند. در نظام گادوین، که نگهداری بچه‌ها به‌جامعه سپرده می‌شود و نه به‌اولیا، مردم تشویق می‌شوند که بیش‌تر بچه‌دار شوند. به‌نظر مالتوس باید مردم را واداشت که مستقل بار آیند و بدون دخالت حکومت خود به‌مسائل و نگهداری بچه‌های خودشان پردازند. اگر مردم بروی پای خودشان بایستند، آنگاه خطرات تعدد اولاد را خواهند دانست. پس، مالتوس هم طرفدار نظریه «لسیه‌فر» بود (س ۱۳).

### قوانین ضد فقر\*

مالتوس نظریات خود را مستقیماً به‌قوانین ضد فقر (یعنی قوانینی که برای

\* مجموعه قوانینی که به‌اسایش و نگهداری از فقرا مربوط می‌شود. و اکنون این وظیفه به‌عهده خدمات رفاه اجتماعی است.

مبارزه با مسأله فقر تصویب شده بود) تطبیق داد. به‌نظر او فقر مردم ناشی از این بود که یا خیلی پیر یا خیلی جوان، یا خیلی بیمار بودند که نمی‌توانستند کاری پیدا کنند، یا اگر کاری داشتند، دستمزد کافی نمی‌گرفتند. در طی قرن‌های گذشته برای مبارزه با فقر کوشش‌های گوناگونی انجام گرفته بود. در اواخر قرن هیجدهم نظامی در انگلستان پدید آمده بود که بنا بر آن به‌کسانی که کاری نداشتند وجهی پرداخت می‌شد، یا به‌کسانی که دستمزد کمی داشتند مقرری داده می‌شد. به‌نظر مالتوس این نظام، نظام بسیار بدی بود، زیرا این نظام مردم را وانمی‌داشت که به‌خود فکر و از خود نگهداری کنند و آن‌ها را به‌داشتن خانواده‌های پر عائله تشویق می‌کرد (س ۱۴). به‌نظر او باید قوانین ضد فقر را تغییر می‌دادند (س ۱۵).

وقت ناهار در یکی از نوانخانه‌های قرن نوزدهم



مالتوس در میان کسانی که در بریتانیا حکومت می‌کردند، گوش‌های شنوایی یافت. در ۱۸۳۴، سال درگذشت او، متمم قانون ضدفقر به تصویب رسید که تا آخر قرن نوزدهم معتبر بود. این نظام برپایه نوانخانه‌ها\* استوار بود. دیگر مردم نمی‌توانستند آن مقرری را در خانه خود باشند و بگیرند. اگر کسی از عهده نگهداری خود بر نمی‌آمد، می‌بایست به یکی از نوانخانه‌ها برود که در آن وضع به مراتب بدتر از بیرون بود (س ۱۶). امید می‌رفت از این طریق بتوان مردم را به بیرون آمدن از فقر ترغیب کرد. مردان می‌بایست بکوشند که کاری دست و پا کنند و تازمانی که از عهده خرج خانواده بر نیامدند ازدواج نکنند. قوانین جدید ضدفقر مبتنی نظرات مالتوس بود که همچنین برای سنگ انداختن در راه انجام هر گونه اصلاح اجتماعی، و از جمله قانون حداقل دستمزد و ایجاد مسکن برای کودکان بی‌سرپرست، مورد استفاده قرار می‌گرفت.

نظریات مالتوس در زمینه‌های دیگر نیز تأثیر گذاشت. به‌ویژه در علوم طبیعی. چارلز داروین، مؤلف کتاب منشاء انواع می‌نویسد که او نظریه تکاملش تا حدی مدیون مالتوس است (نگاه کنید به داروین از همین مجموعه).

## مالتوس و تاریخ جهان

هسته اصلی نظریه مالتوس غلط از آب در آمد. رشد جمعیت بیش از رشد ذخیره مواد غذایی نبوده است. هر دو نسبتی

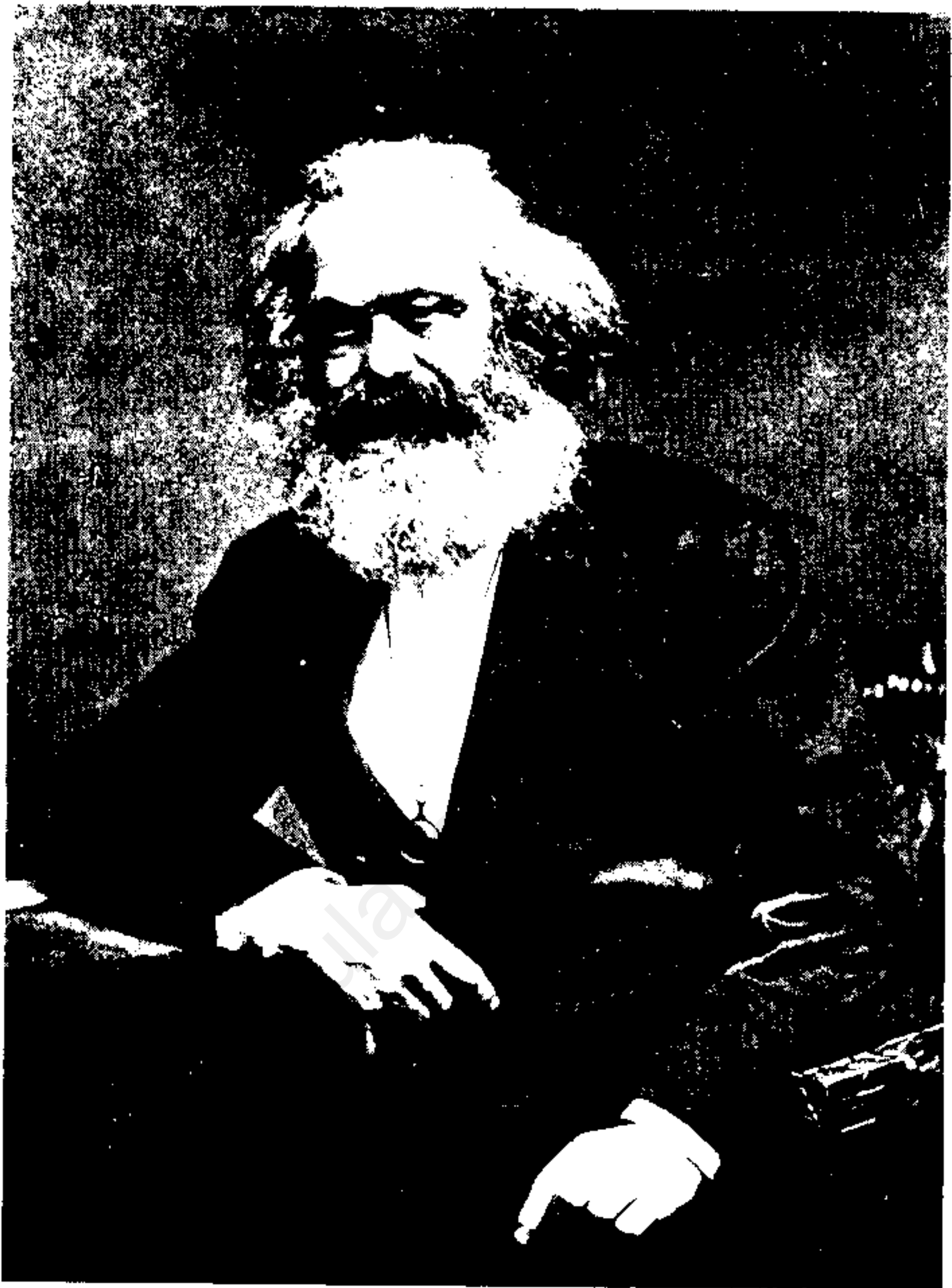
\* نوانخانه خانه‌ای بود که فقرا را به خرج دولتی در آن نگهداری می‌کردند.

که مالتوس مطرح کرد، غلط از آب در آمد. مواد غذایی سریع‌تر از آنچه او فکر می‌کرد افزایش یافته است، بعضاً به‌خاطر تکامل فنی و بعضاً به‌لحاظ استفاده از زمین‌های جدیدی در دو قاره آمریکا، استرالیا، سبیری و منچوری (نگاه کنید به دفتر انقلاب کشاورزی). دوم آن که جمعیت اروپا و آمریکای شمالی با آهنگ هندسی رشد نکرده است. در این نقاط در عصری که مالتوس کتابش را می‌نوشت، جمعیت در حال رشد سریع بود؛ اما در قرن بیستم این رشد کندتر بوده است، به‌ویژه به‌خاطر استفاده از وسائل پیشگیری از حاملگی.

با این همه بسیاری برآنند که نظریات مالتوس کهنه نشده. در بحث‌هایی که به کشورهای فقیر مربوط می‌شود نام او غالباً ذکر می‌شود. در این کشورها جمعیت در حال رشد سریع است، برآستی که با آهنگی که سریع‌تر از آن در تاریخ بشریت دیده نشده است. این مسأله بسیار دشوار و جدی است و بسیاری از این نوع کشورها توانایی نیافته‌اند که ذخیره غذایی خود را به سرعت افزایش دهند. اما با این حال، این درست نیست که جمعیت با آهنگی هندسی و مواد غذایی با آهنگ حسابی رشد می‌کند. علل فقر بسیار پیچیده‌تر است. این علل در اعماق ساخت اقتصادی این جوامع قرار دارد. وظیفه‌ای که سومین اقتصاددان ما برای خود تعیین کرده دقیقاً تحلیل همین ساخت است.

## کارل مارکس (۱۸۱۸ تا ۱۸۸۳)

کارل مارکس به سال ۱۸۱۸ در یک خانواده یهودی، در شهر تری‌یر (پروس -



کارل مارکس

دانشگاهی به حرفه روزنامه‌نگاری پرداخت. به تدریس در دانشگاه امید بسته بود، اما نظرات سیاسی چنان بود که به دانشگاه راهش ندادند. نخست در سال ۱۸۴۳ در شهر کلن دست به انتشار

آلمان) که بعدها به مسیحیت گروید، متولد شد. پدر او وکیل دعاوی بود. کارل جوان دبیرستان را در زادگاه خود گذراند و برای تحصیلات دانشگاهی به شهرهای بن و برلن رفت. پس از پایان آموزش



قرائت‌خانه موزه بریتانیا که کارل مارکس عمده کار خود را برای سرمایه در اینجا انجام داد

نوشت که جلد نخست آن به سال ۱۸۶۷ منتشر شد.

جلدهای دوم و سوم این کتاب پس از مرگ او، در سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۹۴ با توجه خاص و عاشقانه انگلس ویراسته و منتشر شد. کتاب سرمایه، بیش از هر چیز، کتابی است که با نظریه سروکار دارد. اما مارکس هم با نظریه سروکار داشت و هم با عمل. «فلاسفه به‌طریق مختلف فقط به تفسیر جهان پرداخته‌اند، نکته اینجاست که باید به تغییر آن دست یازید!»، مارکس به سال ۱۸۸۳ چشم از جهان فرو بست.

روزنامه زد، اما پس از تعطیل آن، عازم پاریس شد. در سال ۱۸۴۷ ناگزیر شد رخت خویش به شهر بروکسل بکشد و در آنجا با همکاری فردریک انگلس به تدوین بیاننامه کمونیست معروف، که فراخوانی به کارگران جهان است، مشغول شد. (س ۱۷). این سند به سال ۱۸۴۸ منتشر شد. مارکس در همان سال به شهر کلن بازگشت، اما یک سال بعد باز از آنجا بیرونش کردند. سپس مقیم لندن شد و مابقی عمر را در آنجا، آن هم غالباً در تنگدستی، گذراند. در لندن بود که کتاب سرمایه را روزها در قرائت‌خانه موزه بریتانیا و شب‌ها تا دیروقت در منزل،



فقر روستایی در بریتانیای قرن نوزدهم

## تأثیرات دیگران در اندیشه او

آن سرمایه‌داری که آدام اسمیت مطالعه کرده بود در زمانی که مارکس دست به کار تألیف بود، دیگر انکشاف بسیاری یافته بود. در همین زمان کارگرانی که در کارخانه‌های سرمایه‌داری بریتانیا به کار مشغول بودند، در فقر دامنه‌داری می‌زیستند. (سندهای ۱۸ و ۱۹). طبقه کارگر شهرها توجه مارکس را به خود جلب کرد. اما در روستاهای بریتانیا نیز فقر بیداد می‌کرد. مارکس قصدش این بود که این نظام سرمایه‌داری (س ۲۰)، و نقش طبقه کارگر را در آن، بفهمد. تبعید اجباری او به لندن سبب خیر

شد که او بتواند به ملاحظه سرمایه‌داری در کشوری بپردازد که در آن زمان بیش از هر جای دیگر انکشاف یافته بود.

مارکس نظرات اقتصاددانان بریتانیایی را به دقت مطالعه کرد، که از آن جمله بودند آدام اسمیت (که برایش احترام قائل بود) و مالتوس (که از او نفرت داشت و اسمش را گذاشته بود «کشیش مالتوس»). همچنین مطالعه فلاسفه آلمان، چون هگل و نویسندگان سوسیالیست همت گماشت. با تکیه به این مطالعات بود که توانست نظریه جدید تاریخی را در خلال کتاب سرمایه ارائه دهد. قدرت، شمول و گسترش نظریه او چنان است که هیچ نظریه‌ئی نه پیش از



آن و نه پس از آن همسنگ آن نیست.

## نظریات بنیادی مارکس

بنابر نظر مارکس، تاریخ مطابق قوانین انکشاف آن به پیش می‌رود. او بر این نظر بود که تاریخ بشر شامل چند دوران معین می‌شود. این دوران‌ها را می‌توان موافق شیوه تولیدی که برطبق آن‌ها کالا تولید می‌شود، شناخت. دورانی که خود مارکس زندگی می‌کرد، و دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، دوران سرمایه‌داری بود که مارکس آن را شیوه تولید بورژوازی نامیده است (س ۲۱). نظر مارکس آن بود که این عوامل اقتصادی تغییرات تاریخ را موجب

می‌شوند. نظرات، نهادها، قوانین و سیاست‌ها تحت تأثیر پایه‌های اقتصادی جامعه قرار دارند (س ۲۲). این کلید درک خطوط اصلی تاریخ است. چنین که این نظرات در تاریخ نفوذی ندارند، نظرات خود به نظام اقتصادی وابسته‌اند. نظرات اصلی هر دوران در تطابق با منافع آن طبقه‌ئی است که نظام آن دوران را می‌چرخاند. نظریه مارکس درک مادی‌گرایانه تاریخ است، که عموماً آن را ماتریالیسم تاریخی می‌خوانند. مارکس در مشهورترین اثرش، یعنی سرمایه اندیشه را بر دوره سرمایه‌داری متمرکز کرد، و کوشید نشان دهد که این نظام چه گونه عمل می‌کند.

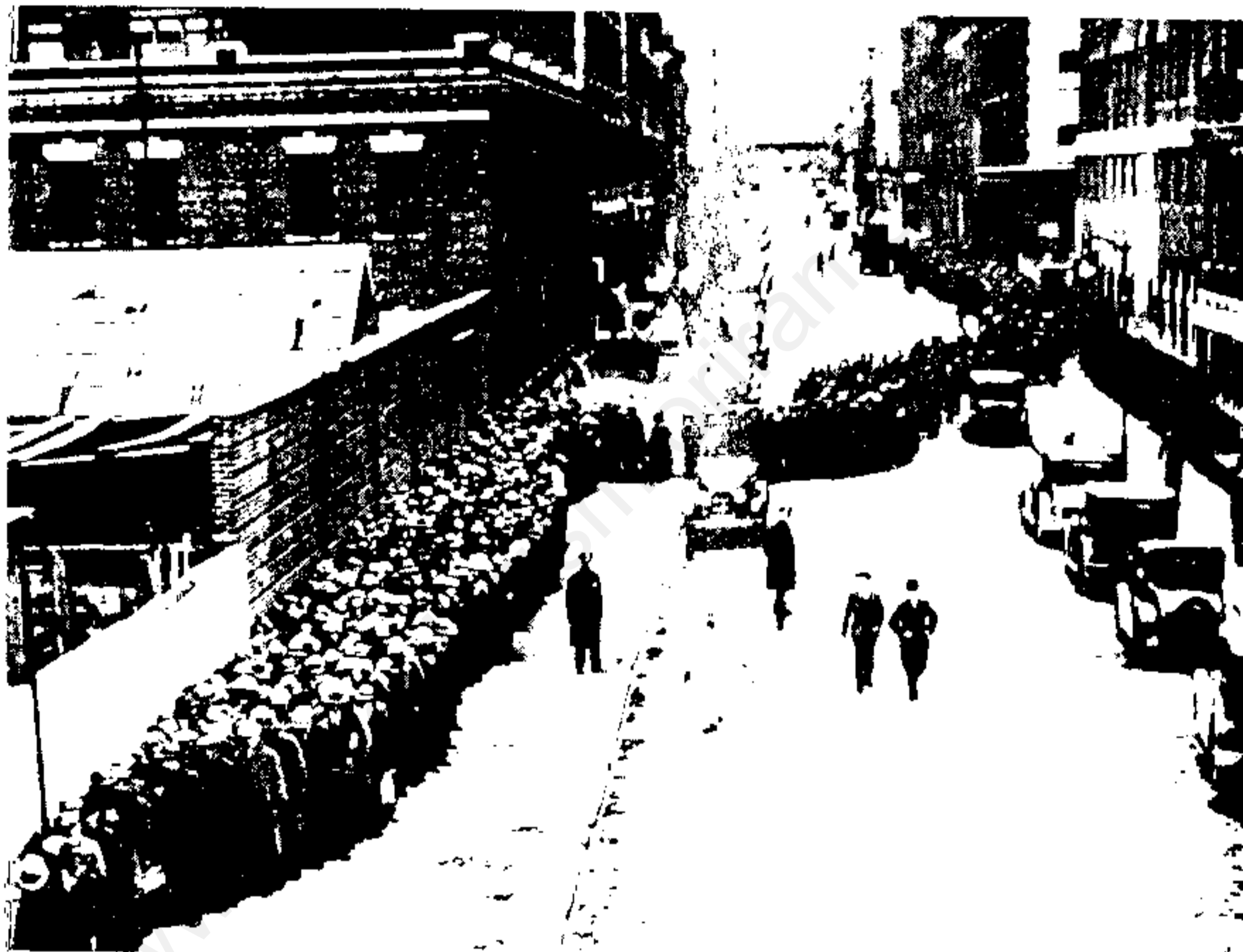
اعضای یک خانوادۀ بورژوازی - سرمایه‌دار، در دهه ۱۸۶۰



## مبارزه طبقاتی

بنا به گفته مارکس، جوامع به طبقات تقسیم می‌شوند [مارکس، چنان که خود گفته است، این نظر را از متفکران پیش از خود گرفته آن را انکشاف داد. م. ا. کلا در طی تاریخ، يك طبقه طبقه دیگر را

استثمار کرده است، یعنی همیشه این یا آن طبقه سهم بیش‌تری از تولید را به‌زیان طبقه دیگر تصاحب کرده است. کم یا بیش طبقات با یکدیگر در تضاد دائم بوده‌اند. از نظر مارکس، تاریخ بدون همانا تاریخ مبارزات طبقاتی است. جلوه ویژه سرمایه‌داری این است که تضاد طبقات در



صف نان در شهر نیویورک به هنگام رکود اقتصادی جهانی در دهه ۱۹۳۰، در آن زمان بسیاری معتمد بودند که دیگر کار سرمایه‌داری تمام است

آن بیش از پیش روشن‌تر است. بنا به گفته مارکس، جامعه سرمایه‌داری به دو اردوگاه متخاصم تقسیم شده است: بورژوازی و پرولتاریا، بورژوازی یعنی سرمایه‌داران و صاحبان وسائل تولید (مثلا کارخانه‌ها، نه خانه‌های مسکونی و شخصی مردم) و

کارفرمایانی که کارگران مزدور دارند (یعنی کارگرانی که دستمزد خود را روزانه، هفتگی، یا ماهانه دریافت می‌کنند). پرولتاریا چیزی ندارد جز توان کار، و آن را برای ادامه حیات خود در قبال دستمزد می‌فروشد. رابطه بین



يك خانواده كارگري در ۱۹۱۲. در اين زمان فاصله بين كارگران و سرمايه‌داران بيش از هر وقت ديگري بود

اين تضادها از پای در خواهد آمد. مثلاً، سرمايه‌داری به سود تکیه دارد، و مارکس بر آن بود که سود حاصل از سرمايه سرانجام کاهش یافته کم و کمتر شده و سرمايه‌داری به يك وضع بحرانی دچار خواهد شد. در عین حال طبقه کارگر هر روز فقیرتر و انقلابی‌تر خواهد شد. باید توجه داشت که مسأله فقر طبقه کارگر امری نسبی است. نانیاً با پدید آمدن دوران امپریالیسم و استثمار کشورهای مستعمره و نومستعمره، سرمايه‌داری توانست تا حد زیادی از این بحران بگریزد. تشدید بحران سرمايه‌داری پس از اوج مبارزات انقلابی کشورهای سه قاره دلیل کافی بر صحت نظر مارکس است. م. ا. گسترش استفاده از ماشین‌آلات صنعتی و تقسیم روزافزون کار (یعنی همان چیزی که سخت مورد ستایش آدم اسمیت بود) می‌رساند که کار ماهیت فردیش را از دست می‌دهد.

سرمايه‌دار و کارگر رابطه استثماری است. استثمار سرمايه‌دار از کارگر، بورژوازی از پرولتاریسا (س ۲۳). به گفته مارکس، درجوامع سرمايه‌داری، حکومت در خدمت بورژوازی قرار دارد. حکومت وسیله‌ئی است برای سرکوبی طبقاتی. سرمايه‌داری یعنی برتری بورژوازی. اما این به هیچ وجه به معنی پیروزی غائی سرمايه‌داری نیست. مارکس بر آن بود که سرانجام روزی پیروزی پرولتاریا فرا خواهد رسید.

### پیروزی طبقه کارگر

از نظر مارکس پیروزی طبقه کارگر حتمی است، زیرا یقین داشت که سرمايه‌داری سرانجام از پای در خواهد آمد. مارکس پاره‌ئی از وجوه اساسی جامعه سرمايه‌داری را تناقض یا تضاد نامید. به نظر او که سرمايه‌داری به لحاظ وجود

پرولتاریا به‌جزئی از ماشین‌آلات بدل می‌شود. در عین حال چون کارگران در کارخانه‌ها متجمع می‌شوند، این طبقه هر روز بیش از پیش به‌خود، چون یک طبقه، آگاهی پیدا می‌کند، البته نخست به‌کندی و سپس با آهنگی تندتر.

سرانجام روزی پرولتاریا پیام کرده قدرت را به‌دست خواهد گرفت و زمام کار را از دست بورژوازی خارج خواهد کرد. همان تغییراتی که بورژوازی در سینه‌دهم

عصر سرمایه‌داری ایجاد کرد، و به‌سرمایه‌داری این توان عظیم کنونی را داد، سرانجام روزی سقوط آن را موجب خواهد شد. به‌گفته‌ی مارکس، سرمایه‌داران خود گورکن خویشانند. (س ۲۴).

### سوسیالیسم و کمونیسم

دورانی که بلافاصله پس از انقلاب کارگری در کشورهای پیشرفته

نشین رهبر انقلاب روسیه، در سال ۱۹۱۹، به‌نگام براد سجدایی برای ژنرال سرخ





مانوئله درك. هر سوسياليسم، نظريه كارزار داخلي كه در سال ۱۹۴۹ به بيروزي كمونست‌ها انجاميد

## ماركس در تاريخ جهان

نظريه ماركس براي بسياري از مردم جذابيت داشت. اين نظريه نه تنها توضيح اين به نظر مي‌رسيد كه در تاريخ چه گذشته است، بل كه نويدبخش آينده روشني نيز بود. نظرات او در سراسر جهان زمينه كار احزاب سوسياليستي را فراهم آورد. حوادث بعدي، و انكشاف متاخر سرمايه‌داري نشان داد كه درك نظريه ماركس به آن سادگي كه برخي مي‌انديشيدند نبود. انكشاف آن بدون پديد آمدن امپرياليسم پايان نيافته بود. سرمايه‌داري به آن سرعتي كه برخي كسان از نوشته‌هاي ماركس فهميده بودند، در

سرمايه‌داري فرا مي‌رسد سوسياليسم نام دارد. در عصر سوسياليسم، وسائل توليد، و از آن جمله كارخانه‌ها، بانك‌ها، وسائل حمل و نقل، در مالكيت جامعه قرار مي‌گيرند. ثروت، مطابق كاري كه افراد انجام مي‌دهند ميان‌شان تقسيم مي‌شود. آخرين مرحله انكشاف تاريخي همان كمونيسم است، كه در آن اصل «از هر كس به قدر توانش، و به هر كس به قدر نيازش» حكومت خواهد كرد. حكومت، سازمان‌ها و ادارات آن به كلي ناپديد خواهند شد، و همه مردم، همه توليدكنندگان با برابري و آزادي در کنار يكدیگر كار خواهند كرد. ديگر استثماری در كار نخواهد بود.

اروپا و آمریکای شمالی برجیده نشد. انقلابات پرولتری در کشورهای پیشرفته چون آلمان و بریتانیا پیروز نشد بل که در کشورهای پس مانده‌ئی چون روسیه و چین، کوبا، و ویتنام... موفق شد. نظرات مارکس، پیروان او چون لنین، روزالوکزامبورگ، مائو، و دیگران آنها را تکمیل کردند، به هر حال تأثیرات سترگی در جهان به جا گذاشته است.

### اسمیت، مالتوس و مارکس در تاریخ جهان

اسمیت، مالتوس و مارکس هر سه کوشیدند که جهان معاصر را تشریح کنند، و نیز طرحی به دست دهند از آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد. هر یک از آنها بر اساس تجربیات عصر خود می‌نوشت و هر یک نیز به نوبه خود حدسیات نادقیقی و نادرستی نیز زده است. اما هر یک از آنان مسائلی اساسی طرح کرد که در عصر خود او و پس از آن تأثیر فراوانی در دیگران داشت. مارکس و اسمیت، هر یک به شیوه خویش، چشم به آینده بهتری داشته‌اند. اسمیت می‌گفت مردم را به حال خود

بگذارید و ایشان خود درد خودشان را چاره خواهند کرد. از این طریق بهترین نتیجه عاید همگان خواهد شد؛ تولید بیش‌تری نصیب همه خواهد شد. مارکس می‌گفت که این نادرست است. اگر هر کس را به حال خود بگذاریم، و هر کس را به سرنوشت خود رها کنیم، آنان که صاحب سرمایه‌اند، دیگرانی را که صاحب توان کارند استثمار خواهند کرد. این نظام از پای در خواهد آمد، و آینده روشنی با نظام کمونیستی فرا خواهد رسید. مالتوس هر دو این‌ها را بر خطا می‌دانست. آینده روشنی در پیش نمی‌توانست باشد، زیرا رشد جمعیت همواره سطح زندگی را پائین نگه خواهد داشت. آخر آن که شاید بزرگ‌ترین نقشی که این سه متفکر داشته‌اند این باشد که این اندیشه را در ما پدید آورده‌اند که عوامل اقتصادی تأثیر بسیار عمیقی در سازماندهی جامعه و انکشاف تاریخ دارند. او انگهی، باید گفت که نقش مارکس به همین جا خاتمه نمی‌یابد. این تنها آغاز کار او بود؛ مارکس نه تنها در جنبش‌های کارگری، آزادیبخش، که در علوم اجتماعی نیز تأثیرات تعیین‌کننده و دورانسازی داشته است. م.ا.]

### سند ۱

مرکانتالیسم در خدمت اغنیا است از کتاب ثروت ملل آدام اسمیت، که به سال ۷۶ منتشر شد.

این صنعت که به سود اغنیا واقویا اداره می‌شود، به وسیله نظام تجاری [مرکانتالیست] تشویق می‌شود. آنچه به سود فقرا است غالباً یا از قلم می‌افتد یا سرکوب می‌شود.

## مرکانتالیسم و انحصارات زیانمند از ثروت ملل آدام اسمیت

صاحبان صنایع پشم ما، در ترغیب قوه مقننه [مجلس] ما به این امر که رونق اقتصادی کشور به موفقیت گسترش تجارت خاص آنان بستگی دارد، از هر طبقه مشغول دیگری موفق‌تر بوده‌اند. اینان نه تنها حق انحصار را از طریق منع مطلق واردات محصولات پشمی از کشورهای خارج کسب کرده‌اند، بل که انحصار دیگری را هم علیه صادرات گوسفند و پشم آن به دست آورده‌اند. به درستی، علیه شدت بسیاری از قوانین که برای امنیت درآمد تصویب شده است، شکایت می‌شود... اما حاضرم اعلام کنم که خشن‌ترین قوانین حاکم بر درآمد، در مقام مقایسه با برخی از قوانینی که تجار و صاحبان صنایع ما برای دفاع از انحصارات احقرانه و سرکوبگر خود از مجلس به‌چنگ آورده‌اند، بسیار ملایم و آسان‌اند. می‌توان گفت که این قوانین را به جای مرکب با خون نوشته‌اند.

## مرکانتالیسم به منافع مصرف‌کنندگان لطمه می‌زند از ثروت ملل آدام اسمیت

تنها و آخرین هدف تولید، مصرف است، و تا آنجا باید به منافع تولیدکننده [صاحب‌صنعت] پرداخت که این منافع در خدمت منافع مصرف‌کننده باشد. این حقیقت آن قدر بدیهی است که کوشش برای اثبات آن احقرانه است. اما در نظام مرکانتالیستی منافع مصرف‌کنندگان مداوماً فدای منافع تولیدکنندگان می‌شود؛ به نظر می‌رسد که هدف این نظام فقط تولید باشد نه مصرف.

## نامطلوبی دخالت دولت از کتاب ثروت ملل آدام اسمیت

فردی در جامعه تا آنجا که در توان اوست می‌کوشد که هم سرمایه خود در حمایت از صنعت داخلی به کار گیرد و هم آن صنعت را چنان هدایت کند که محصول آن به حداکثر ارزش برسد... همان طور نیز هر فردی لزوماً تلاش می‌کند درآمد سالانه جامعه را تا حدی که در امکان اوست افزایش دهد. به راستی او عموماً نه قصد ترقی دادن منافع عمومی را دارد، و نه این ترقی را می‌داند... قصدش فقط منفعت خود اوست، و او را در این کار، همچون در موارد دیگر دست نامرئی‌نی هدایت کرده تا هدفی را ترقی بخشد که جزئی از هدف خود او نبوده است. و این همیشه به زیان جامعه نیست که این کار جزئی از آن نبوده است. او غالباً هدف‌های جامعه را از طریق بیگیری مقاصد فردی خود با اثر بخشی بیش‌تری جامعه تحقق می‌پوشاند تا هنگامی که واقعاً سعی می‌کنند هدف‌های جامعه را ترقی بخشد... کدام یک از صنایع داخلی است که می‌تواند

سرمایه فرد را به کار گیرد؛ و چه محصولی است که بالاترین ارزش را تحصیل کند؟ روشن است که هر فردی در موقعیت محلی خود قادر است بهتر از هر دولتمردی یا هر قانونگزاری، در این مورد به داوری بنشیند. دولتمردی که بخواهد بکوشد افراد را در انتخاب به کار انداختن سرمایه‌شان هدایت کند، نه تنها خود را دچار نا لازم‌ترین مسائل کرده، بل که مرجعیتی را به خود بسته است که نه فقط مورد اطمینان افراد نمی‌تواند باشد، بل که هیچ مجلسی یا شورایی نیز نمی‌تواند به آن اطمینان داشته باشد، و این هیچ جا آن قدر خطرناک نیست که در دست‌های مردی که آن قدر بلاهت و جرأت دارد که خود را شایسته انجام آن می‌پندارد.

سند ۵

### استدلال در باب تجارت آزاد از ثروت ملل آدم اسمیت

این شعار سرپرست محتاط هر خانواده است که آن چیزی را که می‌شود در بیرون ارزان‌تر تهیه کرد نباید در خانه تهیه کرد. خیاط سعی نمی‌کند کفش خود را خودش بدوزد، بل از کفاش می‌خرد. کفاش سعی نمی‌کند لباسش را خودش بدوزد، بل که از خیاط می‌خرد. دهقان نه این را می‌دوزد نه و آن را، بل هر دو را از آن دو صنعتگر می‌خرد. همه آن‌ها این را به سود خود می‌دانند که تمام هم خود را آنچنان به کار برند که به همسایگان خود برتری پیدا کنند، و با بخشی از محصول خود، یا معادل آن، که قیمت بخشی از آن باشد، هر چه را که لازم دارند تهیه کنند. آنچه در رفتار هر خانواده خصوصی احتیاط شمرده شود، به سختی می‌تواند در مورد يك قلمرو بزرگ پادشاهی حماقت به حساب آید. اگر يك کشور خارجی بتواند کالائی را به قیمتی ارزان‌تر از آنچه برای خودمان تمام می‌شود در اختیارمان بگذارد، بهتر است آن را در قبال بخشی از تولیدات صنایع خودمان که در آن برتری داریم، معاوضه کنیم.

سند ۶

### تقسیم کار از ثروت ملل، آدم اسمیت

به نظر می‌رسد که بزرگ‌ترین پیشرفت در توان‌های تولیدی کار و قسمت اعظم مهارت، چابکی و درایت، که کار به مدد آن هدایت یا عملی می‌شود، نتیجه تقسیم کار باشد. نتایج و اثرات تقسیم کار در فعالیت عمومی جامعه به طور کلی زمانی فهمیده می‌شود که بدانیم در هر يك از رشته‌های مشخص تولیدی به چه نحوی عمل می‌شود... مثلاً يك مورد، از يك صنعت ناچیز را در نظر بگیریم، صنعتی که تقسیم کار در آن غالباً مورد توجه قرار گرفته است، یعنی صنعت سوزن‌سازی. کارگری که نه با این حرفه (که تقسیم کار آن را حرفه مشخصی کرده است) و نه با استفاده از ماشین‌آلاتی که در آن به کار می‌رود (و اختراع آن‌ها نیز مدیون همین تقسیم کار است) آشنائی ندارد به سختی می‌تواند حداکثر روزی بیش از يك سوزن تولید کند؛ و قطعاً نمی‌تواند روزی ۲۰ سوزن بسازد. اما نحوه‌ئی که موافق آن در این حرفه عمل می‌شود، کل این کار را به حرفه‌ئی به خصوص



تبدیل می‌کند، بل آن را به شاخه‌های متعددی نیز تقسیم می‌کند که هر کدام باز خود حرفه به خصوصی را تشکیل می‌دهند. کارگری سیم را می‌کشد؛ دیگری آن را راست می‌کند؛ سومی آن را می‌برد؛ نفر چهارم آن را تیز می‌کند؛ پنجمی يك سمت آن را برای ساختن سر سوزن چرخ می‌کند؛ برای ساختن سر آن خود دو تا سه عمل مختلف لازم است؛ گذاشتن سر آن يك کار و سفید کردن آن کار دیگر؛ بسته‌بندی آن‌ها هم خود کار دیگری است... ده نفر... بین خودشان می‌توانند در روز حتی بیش از ۴۸ هزار سوزن تولید کنند. بنابراین می‌شود حساب کرد که هر نفر در روز ۴۸۰۰ سوزن تولید می‌کند؛ اما اگر این‌ها هر کدام جداگانه و مستقلاً کار می‌کردند، و هیچ کدام هم تربیت فنی لازم را برای این حرفه نمی‌داشتند، مطمئناً نمی‌توانستند. حتی بیست سوزن هم تولید کنند؛ شاید روزی یکی هم نمی‌توانستند بسازند. در صنایع و حرفه‌های دیگر، آثار تقسیم کار شبیه به آن چیزی است که در این صنعت کوچک دیده شد.

سند ۷

چرا تقسیم کار به بارآوری پیش‌تری می‌انجامد؟ از ثروت ملل آدام اسمیت

نخست پیشرفت چابکی کارگر ضرورتاً به افزایش مقدار کاری که می‌تواند انجام شود، منتهی می‌شود. و تقسیم کار با کاهش کار هر نفر به يك عمل ساده و تبدیل این عمل ساده به تنها اشتغال او در طول زندگی، ضرورتاً به افزایش چابکی او منجر می‌شود... دوم این که، امتیازی که در اثر از بین بردن انتقال معمولی از کاری به کار دیگر به دست می‌آید، به مراتب پیش‌تر از آن است که در نظر اول به چشم می‌خورد. گذشتن سریع از کاری به کار دیگر که در محل دیگری و با ابزار دیگری انجام می‌پذیرد، ناممکن است. بافنده روستائی که در مزرعه کوچکی کشت می‌کند برای گذشتن از داربست به مزرعه و بالعکس باید وقت زیادی سر این کار بگذارد. اما هنگامی که بشود هر دو کار را در يك کارگاه انجام داد، مسلماً وقت کم‌تری گرفته می‌شود... سوم و آخرین (دلیل) این که هر کس باید نسبت به این که استفاده از ماشین‌آلات مربوطه تا چه حدی کار را آسان و کوتاه می‌کند، حساسیت داشته باشد. آوردن نمونه کار ناالزمی است. لذا من فقط به این نکته اکتفا می‌کنم (که بگویم) اختراع تمام آن نوع ماشین‌آلاتی که کار را این قدر آسان و کوتاه می‌کند، به نظر می‌رسد که مدیون تقسیم کار بوده باشد.

سند ۸

اصلی که تقسیم کار را موجب می‌شود از ثروت ملل آدام اسمیت

تقسیم کار که این همه مزیت از آن مشتق است، در اصل نتیجه خرد انسانی نیست. تقسیم کار نتیجه ضروری، اما بسیار کند و تدریجی گرایش معینی در انسان به حمل و نقل، مبادله پایاپای و مبادله چیزی در مقابل چیز دیگری است... در قبیله‌نی متشکل از شکارچیان و چوپانان، مثلاً شخص به خصوصی تیر و کمان را با استادی پیش‌تری می‌سازد. او غالباً این اشیاء را با هم قبیله‌نی‌های خود

در قبال گاو یا گوشت گوزن مبادله می کند؛ دست آخر او در می یابد که بدین سان می تواند بیش تر از هنگامی که خود به شکار می رود، گوشت، گوزن و گاو به دست می آورد. بنابراین، از نظر منافع خود، ساختن تیر و کمان به حرفه اصلی او بدل می شود... اطمینان به این که می توان تمام مازاد محصول کار خود را، که بیش از مصرف خود است، در مقابل بخش هایی از محصول کار انسان های دیگری به مبادله گذاشت، هر کسی را تشویق می کند که حرفه به خصوصی را برگزیند و هر استعداد یا نبوغی را که برای این حرفه به خصوص در خود سراغ دارد، تربیت و تکامل بخشد.

سند ۹

### رؤیای تجارت آزاد کابین (سخنرانی در منچستر، ۱۵ ژانویه ۱۸۴۶)

من در اصل تجارت آزاد چیزی می بینم که بر جهان اخلاق چون اصل جاذبه زمین عمل می کند. انسان ها را به یکدیگر نزدیک می کند، اختلاف های عقیدتی و زبانی نژادی را به کنار می گذارد، و مردم را با پیوندهای صلح ابدی متحد می کند. من به فراتر از این هم نگریسته ام، به آینده ئی غبار آلود، به هزاران سال دیگر چیزی که می تواند آثار چنین توفیقی باشد، مرا به حدسیات نیز کشانده است. به عقیده من اثر این امر این خواهد بود که چهره جهان را دگرگون کند، به نحوی که نظام دولتی کاملاً نو و متمایز از آنچه اکنون وجود دارد، جایگزین آن شود. به عقیده من خواست و انگیزه ایجاد امپراتوری های بزرگ و نیرومند با انگیزه ایجاد ارتش های عظیم و نیروی دریائی بزرگ، برای آن موادی که به مصرف انهدام زندگی به کار گرفته می شود؛ و برای نابودی پاداش کار، از بین خواهد رفت. به عقیده من، هنگامی که بشریت به یک خانواده یکدست بدل شود، و حاصل کار خود را آزادانه بین خود مبادله کند، دیگر نیازی به این ابزار نخواهد بود. به عقیده من فیلسوفان هزار سال بعد تاریخ بزرگترین انقلابی را که در تاریخ جهان رخ داده است از روزی خواهند دانست که این اصل مورد تأیید ما پیروز شده باشد.

سند ۱۰

گادوین و کمال پذیری ویلیام گادوین، از عدالت سیاسی، که در سال ۱۷۹۳، منتشر شده است.

انسان کمال پذیر است، یا به عبارت دیگر، پذیرای پیشرفت دائمی است چون کمال پذیری انسان را یک بار که مستقر کنید، و بناگزیر آن [کمال پذیری] وضعی را دنبال خواهد کرد ما به سوی آن می رویم که حقیقت در آن بیش از آن شناخته خواهد شد که به آسانی [با چیز دیگری] اشتباه شود، و عدالت در آن آنچنان عادی اجرا خواهد شد که نشود خود سرانه با آن مقابله کرد... هیچ چیز نامعقول تر از این [استدلال] نمی تواند بود که ما از [وضع] انسان هایی که حالا [اینجا] می بایم دلیل بیاوریم در باب آن هایی که شاید از این پس به وجود آیند.

ارقام حاصل از رشد نامتناسب جمعیت و تولیدات غذایی توماس مالتوس، از کتاب تحقیق در اصل جمعیت، که در ۱۸۰۵ منتشر شد.

چون عواقب اجتناب‌ناپذیر این دو آهنگ مختلف رشد را با هم در يك جا جمع کنیم بسیار هولناک خواهد بود. بیائیم جمعیت این جزیره را یازده میلیون فرض کنیم. و فرض کنیم که محصولات کنونی برابر باشد با آنچه برای نگهداری آسان و راحت این جمعیت کافی است. ظرف ۲۵ سال آینده، این جمعیت به ۲۲ میلیون بالغ خواهد شد، و اگر مواد غذایی هم دو برابر شود، و وسائل معاش با این افزایش جمعیت برابر خواهد بود. ظرف ۲۵ سال بعدی، جمعیت بالغ بر ۴۴ میلیون نفر خواهد بود. و وسائل معاش فقط نگهداری ۲۳ میلیون نفر را کفاف خواهد کرد. در دوره بعدی جمعیت به ۸۸ میلیون نفر خواهد رسید، و وسائل معاش فقط نیمی از این جمعیت را کفاف خواهد کرد. و سرانجام در آخر قرن حاضر جمعیت این جزیره به ۱۷۶ میلیون نفر بالغ خواهد شد، و اما وسائل معاش فقط برای ۵۵ میلیون نفر از آنها کافی خواهد بود، و امری که ۱۲۱ میلیون نفر را بی‌وسيله معاش باقی خواهد گذاشت.

حال اگر به جای این جزیره، همه کره ارضی را در نظر بگیریم، البته باید مهاجرت را کسر کرد. اگر جمعیت کنونی کره ارضی را يك هزار میلیون فرض کنیم، آن وقت نوع بشر با اعداد ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶، ۳۲، ۶۴، ۱۲۸، ۲۵۶ و [وسائل] معاش به شکل ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹ افزایش پیدا می‌کند. ظرف دو قرن آینده نسبت [رشد] جمعیت به [افزایش امکانات] معاش ۲۵۶ به ۹ خواهد بود؛ در ظرف سه قرن آینده این نسبت‌ها به شکل ۴۰۹۶ به ۱۳ و ظرف دو هزار سال آینده، این تفاوت تقریباً قابل محاسبه نخواهد بود.

قحطی، جنگ، و بیماری به مثابه موانع رشد جمعیت توماس مالتوس، از تحقیق در اصل جمعیت

گویا مانع نهائی [رشد] جمعیت... همانا نیاز به غذا باشد که ضرورتاً از تفاوت آهنگ‌هائی است که جمعیت و مواد غذایی مطابق آن افزایش می‌یابند. می‌توان گفت که مانع نهائی در تمام آن عادات و تمام آن امراضی است که از کمبود مواد غذایی ناشی می‌شود؛ و همه آن علل مستقل از این کمبود، خواه ماهیت طبیعی داشته باشند و خواه اخلاقی، به طور زودرسی تمایل دارند که بدن انسان را تضعیف و نابود کنند. این موانع رشد جمعیت، کم و بیش، اما مداوماً در همه جوامع عمل می‌کنند و تعداد جمعیت را متناسب با سطح تولید وسائل معیشت یابین نگه می‌دارد....

ضربه به نظریه پیشرفت (گاذوین - الف) پاسخ او به توماس مالتوس، ۱۸۰۱: و ب) قطعه‌نی از کتابش به نام در باب جمعیت، منتشر شده به سال ۱۸۲۰

الف) در اینجا هر اقدام خیرخواهانه به منظور بهبود بخشیدن به وضع زندگی بشری به مخاطره افتاده است. حامیان دستگاه‌ها و سوء استفاده‌های پیشین، نمی‌توانستند برای رضایت خاطر خویش، برای مقابله همیشه با اصلاحات و بهبودهای [احتمالی] آئینی بهتر از این [نظریه مالتوس] بیابند.  
ب) من به جای این که بنا به میل خودم در جهت بهبود وضع جامعه اقدام کنم، علیرغم قصدم، دچار این شدم که مانع راه همه پیشرفت‌های آینده شوم و همه پیشرفت‌های گذشته را نیز بی‌اعتبار کنم.

اثرات قوانین [ضد] فقر توماس مالتوس - از تحقیقی در باب اصل جمعیت.

به توده عظیم اجتماع آموخته می‌شود که از برای آنان هیچ فرصتی نیست که به گرایش‌ها و تمایلات خویش فائق آیند، و در امر ازدواج به میزانی از احتیاط دست یابند، چون دفتر ثبت کلیسا موظف است که از عهده تأمین همه متولدان برآید. به آنان می‌آموزند که چندان فرصتی ندارند مگر آن که عادات صرفه‌جویی را در خود پیروورند... و از وسائلی که پس‌انداز بانک‌ها در اختیارشان می‌گذارد، استفاده کنند؛ تا زمانی که مجردند، پس‌انداز کنند، تا مگر هنگامی که ازدواج می‌کنند بتوانند وسایل تأمین کاشانه‌ئی را داشته باشند؛ تا زندگی را با آسایش و احترام آغاز کنند؛ زیرا، به نظر من، دفتر ثبت موالید کلیسا محققاً پوشش خوابگاه، و استراحتگاه آن‌ها را در نوانخانه تأمین خواهد کرد.

قوانین [ضد] فقر باید ملغی شود توماس مالتوس از کتاب تحقیقی در باب اصل جمعیت.

مرا به این متهم کرده‌اند قانونی را پیشنهاد کرده‌ام که فقرا از ازدواج منع شوند. صحت ندارد. پیشنهاد من به دور از این قانون بوده است؛ من به صراحت گفته‌ام که اگر کسی بی‌آن که وسایل نگهداری خانواده‌ئی را داشته باشد و قصد ازدواج کند، باید برای چنین اقدامی از آزادی کامل برخوردار باشد؛ من در این عقیده یا برجا هستم که هر قانون مثبتی که سن ازدواج را محدود می‌کند هم عادلانه و هم اخلاقی نخواهد بود. و بزرگ‌ترین اعتراض من به نظام برابری و نظام قوانین [ضد] فقر (دو نظامی که با همه تفاوت‌هایشان در آغاز کار، ماهیتاً چنان درست شده‌اند که نتیجه‌شان یکی است)، این است که آن جامعه‌نی که این نظام‌ها در آن به اجرا گذاشته می‌شود، دست آخر تا آن حد

تنزل خواهد کرد که [مجبور خواهد شد]. بین نیاز عمومی و تصویب قوانین مستقیم علیه ازدواج یکی را انتخاب کند.

آنچه من پیشنهاد کرده‌ام، اقدام بسیار متفاوتی است، یعنی الغای تدریجی و بسیار تدریجی قوانین [ضد] فقر.

سند ۱۶

نوانخانه پوپلار، ۱۸۲۹ (از سرگذشت جورج لانزبوری به قلم خود او، رهبر حزب کارگر، (۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵)

نخستین دیدار من از يك نوانخانه خاطره‌ئی فراموش نشدنی به‌جا گذاشت از كوچه باریك سرازیر شدم و زنگ را به‌صدا در آوردم، و منتظر ماندم؛ مردی با صورتی نه چندان بشاش از لابلای میله‌های آهنی نگاه کرد ببیند چه کسی پشت در است. شنیدن صدای ناهنجار او فهم این مطلب را برایم آسان کرد که چرا فقرا از این محل بدشان می‌آید و از آن نفرت دارند، و برق آسا فهمیدم که همه این محل‌های زندان و باستیل مانند برای این منظور درست شده که مردم با تحمل هر رنج و ستمی آنچنان پرهیزکار و آبرومند بمانند که نیازی به ورود به این مکان‌ها نداشته باشند؛ مسئولان رسمی، اتاق انتظار، اشکال سخت، دیوارهای سفید گچی، صدای کلیدهای آویزان به‌کمر کسانی که با شما صحبت می‌کنند، دفاتر بزرگ ثبت‌نام و تاریخچه و غیره با تفتیش بدنی، و سپس لخت شدن و حمام کردن در يك خزینه عمومی، و سرانجام خفت نهائی به‌تن کردن لباس‌هایی که خیلی‌ها قبلاً آن را پوشیده‌اند؛ لباس‌هایی که چندش آور و زمخت و گل و گشاد است. هر کاری که ممکن بود برای تحقیر اخلاقی و فکری انجام می‌دادند.

سند ۱۷

کارگران جهان متحد شوید! کارل مارکس و فردریش انگلس - از مانیفست کمونیست ۱۸۴۸

کمونیست‌ها خوش ندارند نظرات و هدف‌های خود را پنهان کنند. اینان آشکارا اعلام می‌کنند که مقاصدشان تنها با واژگونی قهرآمیز اوضاع اجتماعی موجود دست‌دانی است. بگذار طبقات حاکم از انقلاب کمونیستی به‌خود بلرزند. پرولترها چیزی از دست نمی‌دهند مگر زنجیرهای خود را. آنان جهانی دارند که بر آن چیره شوند. زحمتکشان همه جهان، متحد شوید!

سند ۱۸

استثمار کارگران از کتاب سرمایه، مارکس با استفاده از گزارش‌های دولتی بریتانیا، نشان داد که با کارگران چه بد رفتار می‌کردند. این خلاصه‌ئی است از يك گزارش دولتی به‌سال ۱۸۶۵ درباره کار کودکان.

ناممکن است که اندیشه‌نی مقدار کاری را که پسر بچه‌های ۹ تا ۱۲ ساله انجام می‌دهند، و در عبارات زیر وصف شده بفهمد... مگر آن که به این نتیجه برسد که به‌چنین سوءاستفاده‌های از قدرت والدین و کارفرمایان دیگر نمی‌توان اجازه داد که باشد. در يك کارخانه نورد آهن که ساعات کار معمولی آن بین شش صبح تا پنج و نیم عصر بود، پسری هفته‌نی چهار شب دست کم تا ساعت هشت و نیم... به مدت شش ماه کار می‌کرد. پسرک نه ساله دیگری گاهی سه نوبتکاری دوازده ساعته کار می‌کرد و در دهسالگی دو شبانه‌روز یکبند کار می‌کرد.

سند ۱۹

از وضع طبقه کارگر در انگلستان فردریش انگلس ۱۸۴۵ در این کتاب وضع وحشتناک بسیاری از کارگران کارخانه وصف شده است

وضع پیراهن‌دوزها از همه بدتر است. آن‌ها از هر پیراهن معمولی يك پنس و نیم می‌گیرند. و برای پیرهن‌های شیک و ظریفی که می‌شود در طی ۱۸ ساعت کار روزانه دوخت ۶ پنس می‌گیرند. دستمزد هفتگی این زن‌های چرخکار، هم بنابر قول خودشان و هم کارفرمایان، در مقابل یکی از شاق‌ترین کارها که شب تا دیروقت طول می‌کشد، بین دو شلینگ و ۶ پنس تا ۳ شلینگ است. اما آنچه این بربریت تنگین را به اوج می‌رساند این واقعیت است که این زنان باید در مقابل بخشی از جنسی که به آن‌ها سپرده می‌شود، و دیعه‌نی نیز به کارفرما بسپارند. اما طبعاً این امر برای آن‌ها میسر نیست مگر بخشی از آن‌ها را گرو بگذارند. و اگر نتوانند این مصالح را [به‌موقع] پس بدهند، باید در دادگاه بخش حاضر شوند. در سال ۱۸۴۴ دخترک فقیری که به این دردسردچار شده بود، و نمی‌دانست چه بکند، خود را در آبراهی غرق کرد. این زنان معمولاً در نهایت افسردگی در اتاق‌های کوچک زیر شیروانی زندگی می‌کنند و بیش از گنجایش این اتاق آدم در آن زندگی می‌کند. در زمستان تنها گرمای این اتاق همان گرمای تن خود کارگران است. در اینجا کارگران بروی کار خود قوز کرده از چهار یا پنج صبح تا نیمه شب چرخ می‌کنند، و سلامت خود را ظرف یکی دو سال از بین می‌برند و بی‌آن که بتوانند در این میان به ناچیزترین ضروریات زندگی رسیده باشند ناکام راهی گورستان می‌شوند. و در خیابان‌های مجاور کالسکه‌های درخشان بورژوازی طبقه بالا (اغنیاء) در حرکت‌اند، و شاید ده قدمی دورتر از آن‌ها بدکاره‌تی در قمار شبانه‌اش دارد پولی را می‌بازد که این‌ها می‌توانند در يك سال به دست آورند.

سند ۲۰

سرمایه‌داری قوانین اقتصادی دارد کارل مارکس از پیشگفتار کتاب سرمایه

فیزیکدان پدیده‌های فیزیکی را یا در جایی که این پدیده‌ها به کامل‌ترین شکل آن‌ها و فارغ از تأثیرات مخل رخ می‌دهند مشاهده می‌کند، یا هر جا که ممکن باشد، تحت شرایطی که وقوع آن پدیده را در حالت طبیعی آن تضمین کند دست به آزمایش می‌زند.

آنچه در این کتاب مورد تحقیق من است، شیوه تولید سرمایه‌داری و مناسبات تولیدی و مبادله‌های متناظر با آن شیوه است.

تاکنون انگلستان محل کهن این نوع تولید بوده است. به همین سبب این کشور عمده‌ترین نمونه بیان انکشاف (یا، تکامل) اندیشه‌های نظری من قرار گرفته است. در اینجا مسأله درجه عالی یا دانی انکشاف تضادهای اجتماعی، که از قوانین طبیعی تولید سرمایه‌داری ناشی می‌شود، نیست، مسأله خود این قوانین، خود این گرایش‌ها است که با ضرورت پولادینی به سوی نتایج ناگزیر مؤثرند. این کشور که از لحاظ صنعت انکشاف یافته‌تر است نسبت به کشوری که کمتر انکشاف یافته فقط منظره آینده خود را نشان می‌دهد... هدف نهایی این اثر این است که قوانین اقتصادی حرکت جامعه جدید را آشکار کند.

سند ۲۱

دوران‌های گسترده تاریخ کارل مارکس - از کتاب در انتقاد از اقتصاد سیاسی

در يك طرح کلی می‌توان شیوه‌های تولیدی آسیائی، کهن، فئودالی و بورژوائی جدید را به مثابه دوران‌هایی نامید که در انکشاف اقتصادی جامعه پیشرفت ایجاد کرده‌اند. شیوه تولید بورژوائی آخرین شکل متخاصم فرآیند اجتماعی تولید است - البته | منخاصم نه به معنی تخاصم فردی، بل که تخاصمی که از شرائط اجتماعی حیات افراد نشأت می‌گیرد - اما آن نیروهای تولیدی که در بطن جامعه بورژوائی انکشاف می‌یابند، شرائط مادی حل این تخاصم را فراهم می‌آورد.

سند ۲۲

تفوق عوامل اقتصادی کارل مارکس - از کتاب در انتقاد از اقتصاد سیاسی

پژوهش، مرا به این نتیجه راهبر شد که نه مناسبات قانونی [حقوقی] و نه اشکال سیاسی، هیچ يك را نمی‌توان به خودی خود و به تنهایی، و بر اساس به اصطلاح انکشاف ذهنی انسانی فهمید، که، برعکس، خاستگاه آن‌ها در شرائط مادی زندگی است، یعنی جامعیتی که هِگِل آن را به پیروی از متفکران قرن هیجدهم انگلستان و فرانسه در چارچوب «جامعه مدنی» در می‌آورد، [و به این نتیجه رسیدم] که باید کالبد شکافی این جامعه مدنی را در اقتصاد سیاسی جست.

سند ۲۳

مبارزه طبقاتی مارکس و انگلس از مانیفست کمونیست

تاریخ جوامعی که تاکنون وجود داشته‌اند همانا تاریخ مبارزه طبقاتی است. آزادگان و بندگان، نجبا (پاتری سین‌ها) و عوام (پله بی‌ین‌ها)، مخدوم و خدمتگر (سرف)، استادکار و دوره‌گرد در يك کلام،

ستمگر و ستمکش، در مقابل یکدیگر قرار داشته‌اند؛ و به مبارزه بلا انقطاع، گاه نهان و گاه آشکاری دست زده‌اند؛ مبارزه‌ئی که هر بار یا به تجدید حیات انقلابی جامعه یا به اضمحلال مشرک طبقات متخاصم انجامیده است.

در دوران‌های پیشین تاریخ ما در همه جا شاهد تقسیم بیجیده جامعه‌ایم به اصناف مختلف یا درجه‌بندی متعدد مقامات اجتماعی. در رُم کهن ما به نجبا، دلاوران (شوالیه‌ها) عوام، بردگان، و در قرون وسطی به فئودال‌ها، مستأجران مباشران (واسال‌ها)، استادکاران صنفی، دوره‌گردان، شاگردان، و خدمتگران (سرف‌ها) و دره‌ریک از این طبقات به درجه‌بندی‌هائی، برمی‌خوریم.

جامعه نوین بورژوائی که از میان ویرانه‌های جامعه فئودالی برخاسته، تضاد طبقاتی را از میان بر نداشته است، بل که طبقات نوین، اوضاع و احوال جدید، و اشکال تازه‌ئی از مبارزه را جانشین اشکال و اوضاع پیشین کرده است. لیکن عصر ما، [یعنی] عصر بورژوازی، این صفت ویژه را دارد که تخصصات طبقاتی را ساده کرده است. مجموع جامعه به‌طور روزافزونی به ارزدهای متخاصم بزرگ، به دو طبقه بزرگ رو در رو، یعنی بورژوازی و پرولتاریا تقسیم می‌شود.

سند ۲۴

### پیروزی پرولتاریا کارل مارکس و انگلس از مانیفست کمونیست

تاکنون، همه اشکال جامعه بر پایه تضاد بین طبقات ستمگر و ستمکش استوار بوده است. اما برای این که بنوان طبقه‌ئی را تحت ستم گرفت، لازم است شرائطی تأمین شود که بر طبق آن دست کم طبقه ستمکش بتواند به زندگی برده‌وار خود ادامه دهد. در دوران خدمتگری (سرواژ) خدمتگر (سرف) خود را تا حد عضو کمون ارتقا داد، همان گونه که در دوران آقائی استبداد فئودالی، خرده بورژوا توانست تا به حد بورژوا برسد.

برعکس، کارگر معاصر بجای آن که با پیشرفت صنعت ارتقا یابد بیوسته به وضعی پست‌تر از وضع زندگی طبقه خویش سقوط می‌کند. مسکین می‌شود، و مسکنت او سریع‌تر از نفوس و ثروت افزایش می‌یابد. ولی در اینجا آشکار می‌شود که بورژوازی دیگر نمی‌تواند طبقه حاکم باقی بماند و اوضاع و احوال حیات خویش را به‌مثابه قانون حاکم بر جامعه تحمیل کند. او دیگر نمی‌تواند حکومت کند، زیرا نمی‌تواند برای بردگانش حتی [در چارچوب] بردگی تأمین حیات کند، زیرا نمی‌تواند بردگانش از سقوط به‌چنان وضعی بازدارد، و به‌جای آن که او از قیل ان بردگان تغذیه کند، مجبور است سیرشان کند. جامعه دیگر نمی‌تواند تحت سیطره این بورژوازی زندگی کند. وجود آن دیگر با جامعه سازگاری ندارد.

شرط اساسی وجود آقائی بورژوازی انباشت ثروت در دست افراد و تنگنای و افزایش سرمایه است؛ شرط [وجودی] سرمایه کار دستمزدی (یا، مزدور) است؛ کار دستمزدی منحصر به رقابت بین کارگران متکی است. پیشرفت صنعت که بورژوازی مجری بلامقاومت بلا اراده آن است، اتحاد انقلابی کارگران را از طریق انجمن‌های کارگری جانشین پراکندگی ناشی از رقابت آنان می‌کند. بنابراین انکشاف صنعت بزرگ شالوده‌ئی را که بورژوازی بر آن تولید می‌کند و محصولات را به خویش اختصاص می‌دهد، از زیر پای او خالی می‌کند؛ لذا آنچه بورژوازی، مقدم بر هر چیز، پدید می‌آورد، همانا گورکنان خود او است. و از گونی، پیروزی پرولتاریا به یکسان اجتناب‌ناپذیر است.



# زنت‌لالت مازيار

بها ۳۰ ريال

www.secularismforiran.com

